

واژه‌بست‌های ضمیری کردی موکری^(۱) در گروه حرف‌اضافه: رویکرد بهینگی

قادر الهویسی آذر

دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

وحید غلامی^۱

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

امید ورزنده

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

علمی - پژوهشی

چکیده

مطالعات تاریخی زبان‌شناختی بر روی واژه به پیدایش مفهوم واژه‌بست انجامید. واژه‌بست‌ها به‌عنوان عناصر زبانی در ساختار دستوری جملات از یک‌سو به‌طور مستقل ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر از لحاظ واجی ناقص بوده و به‌منظور رفع نقص آوایی به عناصر دیگری متصل می‌شوند و به‌صورت پیش‌بست، میان‌بست، اندر‌بست و پی‌بست در کنار میزبان خود ظاهر می‌گردند. عناصر مذکور در مطالعات زبان‌شناختی از اهمیت تاریخی برخوردارند و نقطه تلاقی ساخت‌واژه، نحو و واج‌شناسی هستند. کردی موکری مجهز به نظام واژه‌بست غنی است که در آن واژه‌بست‌ها از قدرت حرکت بالایی برخوردارند و به مقوله‌هایی مختلف از جمله حروف اضافه متصل می‌شوند. در کردی موکری دو دسته حروف اضافه وجود دارند که به صورت پیش‌اضافه و پیرااضافه با متمم خود همراه می‌شوند. پیش‌اضافه‌ها به نوبه خود نوعند: حروف اضافه ساده و صورت‌های مطلق. حروف اضافه دسته اول قبل از اسم، گروه اسمی و ضمیر مستقل تحت حاکمیت خود قرار می‌گیرند در حالی که صورت‌های مطلق که هم از نظر تعداد و هم از نظر تعدادِ هجا از دسته اول کمترند از این قابلیت برخوردار نیستند و نمی‌توانند قبل از اسم، گروه اسمی و ضمیر مستقل واقع شوند و تنها میزبان واژه‌بست واقع می‌شوند. در موکری علاوه بر حروف اضافه ساده و صورت‌های مطلق، حروف اضافه مرکب و پیرااضافه‌ها نیز وجود دارند. پیرااضافه‌ها در موکری دو دسته‌اند: ساده و پیچیده. پیرااضافه‌های ساده متمم اسمی می‌پذیرند، ولی همراه نوع پیچیده آنها هم صورت‌های کامل و هم واژه‌بست‌ها می‌توانند نقش متمم را ایفا کنند. از اینرو مقاله پیشرو در تلاش است تا پس از شناسایی واژه‌بست‌های ضمیری کردی موکری، نحوه تعامل‌شان با انواع حروف اضافه موکری و چگونگی توزیع و جایگیری آنها را براساس محدودیت‌های ترادف در چارچوب نظریه بهینگی تحلیل نماید. تحلیل داده‌ها نشان محدودیت‌های "حفظ یکپارچگی حوزه" و "عدم اجازه وقوع واژه‌بست در ابتدای گروه" در سلسله مراتب محدودیت‌ها بالاتر از محدودیت "حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه" قرار می‌گیرند و این چپینش منجر به جایگیری واژه‌بست در جایگاه دوم می‌گردد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام گرفته و به‌منظور گردآوری داده‌ها از شم زبانی نگارنده اصلی (به‌عنوان گویشور کردی مرکزی (گویش موکری، آشنویه)) و نیز گویشوران اصیل این زبان به همراه فیش‌برداری از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌ها و ضبط حدود ۲۰ ساعت صدای گویشوران گویش مورد نظر استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: کردی موکری، واژه‌بست‌های ضمیری، حروف اضافه، محدودیت‌ها، نظریه بهینگی

۱. مقدمه

دستیابی به دانشی که گویش‌وران زبان به کمک آن بتوانند با هم ارتباط برقرار کنند هدف اصلی مطالعه زبان است و بدین منظور، زبان‌شناسان و پژوهشگران به مطالعه و بررسی قواعد نظام زبانی روی آورده‌اند. آنچه در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه و بررسی دستوریان زایشی بود ساخت جملات زبان و قواعد ناظر بر توزیع واژه‌ها در واحدهای بزرگ‌تری موسوم به «گرو» بود. از دیدگاه زایشی حوزه‌های چهارگانه دستور (واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو و معناشناسی) به صورت جدا و مستقل از هم عمل می‌کنند و در هر حوزه دارای قواعد حاکم خاص خود و مستقل از سایر حوزه‌ها بیان می‌شوند. بعدها دستوریان این نحله دریافتند که عناصری در زبان وجود دارند که از اصول جدایی حوزه‌های مذکور تخطی می‌کنند. با بررسی این عناصر می‌توان به روشن ساختن پدیده‌های مختلف حوزه‌های چهارگانه دستور و ارتباط این حوزه‌ها با یکدیگر کمک کرد. زبان‌شناسان این عناصر در دسرساز را واژه‌بست می‌نامند. واژه‌بست به لحاظ ریشه‌شناختی مشتق از کلمه یونانی^۱ به معنی «تکیه‌کردن، مایل بودن» است و این تمایل واژه‌بست‌ها به ملحقشان به عناصر دیگر زبانی را نشان می‌دهد. زبان‌شناسان مختلف برای واژه‌بست تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند که از میان آنها می‌توان به کریستال (۲۰۰۸: ۸۰) اشاره کرد: وی بر این باور است که واژه‌بست در دستور برای اشاره به صورتی به کار برده می‌شود که شبیه یک واژه است اما نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقل در یک پاره‌گفتار طبیعی به کار برده شود و از نظر آوایی به واژه مجاور خود یا میزبان خود وابسته است. آندرسن (۲۰۰۵: ۱) معتقد است واژه‌بست‌ها عناصری هستند که نه مانند کلمات عادی در جمله وارد می‌شوند و نه مانند وندها به کلمات متصل می‌شوند. به باور وی نه نحو و نه واج‌شناسی برای توضیح دستور واژه‌بست‌های ویژه کفایت لازم را ندارند و ذات واژه‌بست‌ها اساساً ریشه در ساخت‌واژه دارد (همان). با توجه تعاریف و اوصاف بالا می‌توان گفت که واژه‌بست تکواژی است که ویژگی‌های نحوی کلمه را دارا است اما از لحاظ واجی وابسته به کلمه یا گروه دیگری است. به عبارتی دیگر از لحاظ نحوی مستقل و از لحاظ واجی وابسته به میزبان خود است و به آن متصل می‌شود. بر این اساس سه گروه کاملاً مجزا از عناصر زبانی وجود دارند که چنین رفتاری از خود بروز

1. klitikos

می‌دهند. این عناصر عبارت‌اند از: کلمات مقید، واژه‌بست‌ها و صورت‌های آزاد که دستخوش تقلیل‌های واجی می‌شوند. از این رو شناسایی این عناصر و وجه تمایز آنها از سایر تکواژهای وابسته، به‌ویژه وندهای تصریفی، و تعیین و توصیف جایگاه و حوزه واژه‌بست‌افزایی آنها در نظریه عام زبانی و تحلیل نظری یا رده‌شناختی زبان کردی بسیار ضروری می‌نماید. توزیع واژه‌بست‌ها به‌عنوان تکواژهای وابسته در سطوح واج‌شناسی، ساخت‌واژه و نحو ماهیت آنها را روشن می‌کند و این نشان‌دهنده ماهیت بیناحوزه‌ای‌شان است که قرار دادن آنها در طبقات طبیعی واژگانی را از یک‌سو و تحلیل آنها در یک حوزه خاص را از سوی دیگر مشکل می‌سازد. واژه‌بست‌ها در سطح ساخت‌واژه مقوله‌های مختلف را به‌عنوان میزبان انتخاب می‌کنند. نقش و توزیع آنها در سطح نحو، اغلب به همان‌گونه است که از سایر واژه‌های هم مقوله آنها انتظار می‌رود. یکی از حوزه‌هایی که به‌عنوان حوزه عملکرد واژه‌بست‌ها تلقی می‌شود گروه حرف‌افزافه است. کردی موکری با نظام واژه‌بستی غنی و حروف‌افزافه متعدد بسیار جالب توجه به نظر می‌رسد. از این رو مقاله پیشرو در تلاش است ضمن تشریح و شناسایی واژه‌بست‌ها و نحوه توزیع‌شان (در گونه زبانی مورد مطالعه)، آنها را بر اساس محدودیت‌های جهانی نظریه بهینگی در حوزه حرف‌افزافه تحلیل و بررسی کرده تا خلاء ناشی از عدم مطالعات توصیفی و نظری زبان‌شناسان کرد و غیرکرد را نسبت به این عناصر کلیدی تا حدودی پر کند.

۲. پیشینه تحقیق

واژه‌بست‌ها پس از شناسایی به‌عنوان عناصر مهم زبانی در کانون توجه دستوریان زبان‌شناسان مختلف در زبان‌های مختلف قرار گرفتند. پیشینه مطالعات واژه‌بست‌ها به دلبروک (۱۸۷۸) و واکرناگل (۱۸۹۲) برمی‌گردد و از آن پس این عناصر کلیدی دوران‌ساز شدند و زویکی (۱۹۷۷) به پرچمدار بارز این حوزه تبدیل گردید. علاوه بر زبان‌شناسان مذکور، پژوهش‌گران متعددی در زبان‌های گوناگون و زبان‌های ایرانی از جمله فارسی و کردی درباره واژه‌بست‌ها انجام داده‌اند ولی تنها تعداد اندکی از آنها به تعامل حروف‌افزاف با واژه‌بست‌ها پرداخته‌اند که در زیر آورده شده‌اند.

اوپینگن (۲۰۱۲) پس از معرفی و دسته‌بندی حروف‌افزافه کردی موکری به تبعیت از سیورسکا (۲۰۰۴) به بررسی ضمائر آزاد، ضمائر واژه‌بستی و وندهای مطابقه که طبق دستور سنتی آنها را نشانگرهای شخصی می‌نامند می‌پردازد. وی معتقد به وجود چهار نوع نشانگر شخصی در کردی موکری است که تنها یک نوع آنها آزاد و سه نوع دیگر آنها وابسته هستند. وی معتقد به وجود چهار نوع نشانگر شخصی (واژه‌بست‌ها، دو دسته وند

پایانه فعل و پایانه فعل ربطی) در کردی مکرری است که تنها یک نوع آنها از آزادی حرکت برخوردارند که همانا واژه‌بست‌ها هستند. وی بر این باور است که واژه‌بست‌ها در سمت راست سازه (در رسم‌الخط انگلیسی) واقع می‌شوند و این وضعیت آنها اساساً از قدرت حرکت و طبیعت آزادشان در انتخاب میزبان ناشی می‌شود. در مثال ۲ پایانه فعلی *im*- در سمت راست *dani:ft* قرار گرفته است:

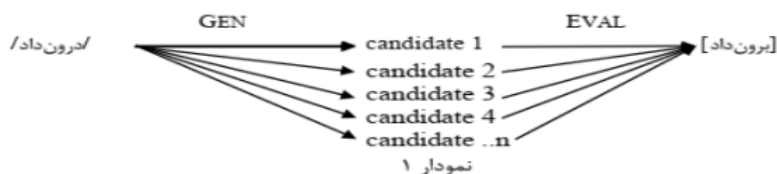
1. *læ pift bra=kæ=m bu:-Ø*
 in behind brother=DEF=1SG.OBL be.PST-3SG
 ”پشت سر برادرم بود.“
2. *læ pift bra=kæ=m dani:ft-im*
 in behind brother=DEF=1SG.OBL sit.PST-1SG
 ”پشت سر برادرم نشستم.“

علی‌نژاد و محمدی (۱۳۹۳) معتقدند که حروف اضافه کردی مرکزی با توجه به نوعشان (ساده و صورت‌های مطلق- دسته‌بندی حروف اضافه کردی مرکزی در بخش هفت این مقاله آورده شده است) متمم‌های مختلفی متعلق به مقوله‌های اسم، ضمیر مستقل و واژه‌بست می‌پذیرند. حروف اضافه ساده قبل از گروه‌های اسمی و ضمیر مستقل می‌آیند، درحالی‌که صورت‌های مطلق قبل از واژه‌بست‌ها واقع می‌شوند. شایان ذکر است که هر دو دسته حروف اضافه هم به صورت پیش اضافه و هم به صورت پس‌اضافه به کار می‌روند. نحوه وقوع انواع حروف اضافه کردی مکرری به کمک مثال‌هایی در بخش هفت همین مقاله آورده شده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌بهبینی که خاستگاه زایشی دارد یکی از ابزارهای مهم واج‌شناسی زبان‌شناسی است که نخستین بار از سوی پرینس و سمولینسکی (۱۹۹۳) به منظور توصیف ساخت هجای کلمات معرفی گردید و بعدها کارآیی بالای آن باعث شد که به سرعت در حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی به کار گرفته شود. در بیشتر نظریه‌های قاعده‌بنیاد یا گشتاری با اعمال یکسری فرایند درونداد به برون‌داد تبدیل می‌شود ولی نظریه‌بهبینی نظریه‌ای محدودیت- بنیاد است و از مجموعه‌ای از محدودیت‌های جهانی تخطی‌پذیر تشکیل شده است که مرتبه‌بندی آنها زبان- ویژه است (گاسن هون و هایکس). در نظریه مذکور هر ساختار دارای یک درونداد و یک برون‌داد است که صورت‌هایشان بر

اساس مجموعه‌ای از محدودیت‌های جهانی تعیین می‌شود. الگوی صوری‌ای که نظریه‌بهینگی از زبان ارائه می‌کند بسیار ساده است. ساز و کار اصلی نظریه‌بهینگی بر اساس رقابت استوار است که طی این رقابت گزینه بهینه از میان مجموعه‌ای از کاندیداهای^۱ (Can) تولیدشده به وسیله بخش مولد^۲ (Gen) و پس از ترتیب صحیح سلسله‌مراتب مرتبه‌بندی محدودیت‌ها انتخاب می‌گردد. محدودیت‌ها بخش ارزیاب^۳ (Eval) نظریه بهینگی را تشکیل می‌دهند. از لحاظ نظری تعداد گزینه‌هایی که بر اساس قواعد دستور زبان به‌عنوان برون‌داد بالقوه توسط مولد برای هر یک از گزینه‌ها تولید می‌کند نامحدود است و تنها یکی از آنها که کمترین نقض محدودیت‌ها را داشته باشد، به‌عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود (کاگر، ۱۳:۱۹۹۹) الگوی نظریه‌بهینگی در نمودار ۱ نشان داده شده است.



محدودیت‌های نظریه‌بهینگی دو دسته‌اند: محدودیت‌های نشان‌داری^۴ و وفاداری/پایایی^۵ دستور زبان محصول برقراری توازن این دو دسته از محدودیت‌هاست. محدودیت‌های نشان‌داری ناظر بر خوش‌ساخت بودن برون‌داد هستند. دسته دوم محدودیت‌ها ناظر بر یکسان بودن درون‌داد و برون‌دادند. این محدودیت‌ها فقط خاص درون‌دادند یعنی هر آنچه در درون‌داد وجود دارد باید در برون‌داد هم وجود داشته باشد. به تعبیری این دسته از محدودیت‌ها با هر گونه تغییری از درون‌داد به برون‌داد مخالفت می‌کنند. محدودیت‌های وفاداری فقط خاص درون‌داد نیستند بلکه به برون‌داد نیز توجه دارند؛ محدودیت‌های نشان‌داری به عناصر حاضر در درون‌داد ارتباطی ندارند و فقط حاکم بر برون‌داد هستند. بدین معنی که محدودیت‌های نشان‌داری بعضی از ساختارها را بر برخی دیگر ترجیح می‌دهند، درحالی‌که محدودیت‌های وفاداری از ایجاد هر گونه تغییری در ساختار گزینه‌های درون‌داد جلوگیری می‌کنند این پدیده موید وجود تعارض بین محدودیت‌هاست. با توجه به این‌که هر دوی این محدودیت‌ها بیشتر با برون‌داد سروکار

1. Candidate
2. Generator
3. Evaluator
4. markedness constraints
5. faithfulness constraints

دارند می‌توان گفت که نظریهٔ بهینگی نظریه‌ای برون‌داد-بنیاد است. لازم به ذکر است که هیچ یک از محدودیت‌ها به گونه‌ای نیستند فقط به درون‌داد توجه کنند و این خود یکی از تفاوت‌های اساسی نظریهٔ بهینگی با نظریهٔ سنتی واج‌شناسی زایشی است. از سوی دیگر در نظریهٔ بهینگی محدودیت‌ها نه با یکدیگر تباری می‌کنند و نه یکی دیگری را سرکوب می‌کند. این نظریه بر مرتبه‌بندی سختگیرانهٔ محدودیت‌ها استوار است (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۲).

۴. واژه‌بست‌های ضمیری کردی موکری و جایگاه آنها

فرض نظریهٔ بهینگی بر این است که تعداد زبان‌ها نمی‌تواند بیشتر از چینش مرتبه‌بندی محدودیت‌ها باشد. در نظریهٔ بهینگی به‌عنوان نظریهٔ برون‌داد بنیان محدودیت‌هایی که نقش تعیین جایگاه واژه‌بست را به عهده دارند جهانی هستند ولی مرتبه‌بندی آنها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. حال اگر بخواهیم جایگاه واژه‌بست cl_i را در حوزه‌های مختلف در چارچوب نظریهٔ بهینگی تعیین کنیم به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها نیاز داریم. اما قبل از ارائهٔ و معرفی محدودیت‌های لازم و دخیل در تعیین جایگاه واژه‌بست کردی مکرری ذکر نکات زیر ضروری است:

- ۱- واژه‌بست در حوزهٔ گروه فعلی ظاهر می‌شود.
 - ۲- واژه‌بست به چپ‌ترین لبهٔ حوزهٔ گروه فعلی متصل می‌شود.
 - ۳- واژه‌بست ساختار نحوی گروه اسمی و حرف‌افزای را برهم نمی‌زند.
 - ۴- واژه‌بست هیچ‌گاه در ابتدای حوزهٔ خود ظاهر نمی‌شود.
- حال به کمک نکات بالا می‌توان محدودیت‌های دخیل در تعیین جایگیری را چنین معرفی نمود: هنگام حضور واژه‌بست کردی مکرری در حوزهٔ گروه فعلی، واژه‌بست متمایل به جایگیری در چپ‌ترین لبهٔ حوزهٔ خود (با توجه به رسم‌الخط انگلیسی) است و هرگز در ابتدای گروه فعلی واقع نمی‌شود. حوزه به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که واژه‌بست در آن به کار می‌رود و حوزهٔ گروه نیز نوعی از حوزهٔ عملکرد واژه‌بست تلقی می‌شود. محدودیت‌های "حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبهٔ حوزه" و "عدم اجازه وقوع واژه‌بست در ابتدای حوزه گروه" را می‌توان به ترتیب چنین نشان داد: $LeftMost(cl_i, L, VP)$ و $NonInitial(cl_i, VP)$. در صورتی که واژه‌بست در حوزهٔ گروه اسمی و گروه حرف‌افزای ظاهر شود علاوه بر محدودیت‌های بالا خانوادهٔ محدودیت‌های حفظ یکپارچگی نیز به

تعیین جایگاه آن کمک می‌کنند. هنگام حضور واژه‌بست در حوزه گروه فعلی محدودیت Integrity(VP)، هنگام حضور واژه‌بست در حوزه گروه اسمی محدودیت Integrity(NP) و هنگام حضور واژه‌بست در حوزه گروه حرف‌افزافه Integrity(PP) ایفای نقش می‌کنند. مطابق این دسته از محدودیت‌ها گروه نمی‌تواند دارای عناصری باشد که یکپارچگی واجی آن را بر هم می‌زنند. با توجه به نکات و محدودیت‌های بالا می‌توان گفت که واژه‌بست متمایل به جایگیری در چپ‌ترین لبه حوزه خود است. بنابراین محدودیت $NonInitial(cli, VP)$ در سلسله‌مراتب محدودیت‌ها بالاتر از محدودیت قرار $LeftMost(cli, L, VP)$ می‌گیرد. حال می‌توان گفت که محدودیت‌های "حفظ یکپارچگی گروه اسمی" Integrity(NP) و "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه Integrity(PP)" بر محدودیت $LeftMost(cli, L, NP/PP)$ تسلط دارند. محدودیت‌های حفظ یکپارچگی با محدودیت $NonInitial(cli, NP, PP)$ ضد و نقیض نیستند. مرتبه‌بندی محدودیت‌های فوق را می‌توان چنین نشان داد (۱) آندرسن، (۱۹۹۹):

1. $NonInitial(cli, XP), Integrity(XP) \gg LeftMost(cli, L, XP)$
مطابق مرتبه‌بندی بالا تخطی از محدودیت $LeftMost(cli, L, XP)$ کشنده نخواهد بود و به بدساختی نمی‌انجامد ولی تخطی از دو محدودیت "حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه" و "عدم اجازه وقوع واژه‌بست در ابتدای گروه" کشنده خواهد بود و منجر به تولید گزینه بدساخت می‌شود. با این اوصاف محدودیت‌های $LeftMost(cli, L, XP)$ در مرتبه‌بندی محدودیت‌ها پایین‌تر از دو محدودیت دیگر قرار می‌گیرد. نظر به اینکه جستار پیشرو به توزیع بهینه واژه‌بست در گروه حرف‌افزافه مکرری می‌پردازد مرتبه‌بندی فوق‌الذکر به صورت (۲) در زیر آورده شده است:

2. $NonInitial(cli, PP), Integrity(PP) \gg LeftMost(cli, L, PP)$

مرتبه‌بندی (۲) نشان می‌دهد که سازه نحوی سمت چپ گروه حرف‌افزافه (جایگاه دوم) میزبانی واژه‌بست را عهده‌دار می‌شود بدون اینکه بین عناصر تشکیل دهنده آن گسستگی ایجاد شود. بنابراین بهترین جایگاه برای واژه‌بست جایگاه دوم است.

۵. واژه‌بست‌های ضمیری کردی مکرری و جایگاه آنها

کردی مرکزی^(۲) دارای دو دسته نشانگر مطابقت شخصی است: مستقیم و غیرمستقیم. دسته اول پایانه‌های فعلی‌اند و وند محسوب می‌شوند درحالی‌که دسته دوم واژه‌بست‌اند. واژه‌بست‌ها برخلاف دسته اول از آزادی حرکت و آزادی انتخاب میزبان برخوردارند.

واژه‌بست‌های موکری و کردی مرکزی غیر از اول شخص و سوم شخص جمع یکی هستند. جدول ۱ واژه‌بست‌های کردی مرکزی و موکری را نشان می‌دهد:

		کردی مرکزی		کردی مکرری	
		مستقیم	غیرمستقیم	مستقیم	غیرمستقیم
SG	1	-(i)m	=(i)m	-(i)m	=(i)m
	2	-i/-y	=(i)t	-i/-y	=(i)t
	3	e(t)/-a(t)/-Ø	=i:/=y	-e(t)/-a(t)/-Ø	=i:/=y
PL	1	-i:n/-yn/-n	=man	-i:n/-yn/-n	=in
	2	-(i)n	=tan	-(i)n	=u
	3	-(i)n	=yan	-(i)n	=yan

جدول ۱: نشانگر مطابقت شخصی کردی مرکزی و مکرری

نشانگرهای دسته مستقیم مکرری در نقش‌های مختلف ظاهر می‌شوند که عبارت‌اند

از:

الف: در نقش فاعل فعل لازم در تمام زمان‌ها:

3. *tʃu:-yn*
go.PST-3PL
ما را رفتیم.
4. *dæ-tʃ-i:n*
IMPF.go.PST-3PL
ما می‌رویم.

ب: در نقش کنشگر فعل متعدی در زمان حال:

5. *dæ-xo-m*
IPMF.eat-1SG
می‌خورم.

ج: در نقش مفعول فعل متعدی در زمان گذشته:

6. *di:t=yan-i:n*
see.PST=3PL.A¹-3PL
ما را دیدند.

د: در فعل ربطی در زمان حال:

7. *mamosta=yn*
teacher-1PL.COP
ما معلم هستیم.

1. کنشگر: Agent

در جایگاه دوم (جایگاه واکرناگل) ظاهر شده است. واکرناگل (۱۸۹۲) با مطالعه زبان‌های هندواروپایی دریافت که واژه‌بست‌ها در اغلب آنها در جایگاه دوم، یعنی پس از اولین واژه از سمت چپ (در رسم‌الخط انگلیسی)، ظاهر می‌شوند. براین اساس واژه‌بست در درون گروه واجی ظاهر می‌شود و به لبه راست کلمه واجی متصل می‌گردد. دبیرمقدم (۲۰۰۸) برای تعیین جایگاه واژه‌بست در مورد زبان‌های ایرانی سه پیشنهاد ارائه می‌نماید که عبارت‌اند از: الف) واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی پس از یک عبارت واقع می‌شوند (مانند دوانی)، ب) واژه‌بست‌ها در گروه فعلی جای می‌گیرند (مانند کردی مرکزی، بلوچی، لکی و نائینی) و ج) در حوزه فعل آغازین همراه با مفعول حرف‌اضافه (مانند لارستانی).

۶. توزیع بهینه واژه‌بست‌های ضمیری موکری

آندرسن (۱۹۹۴) معتقد است نحو کارایی لازم برای توصیف واژه‌بست‌های جایگاه دوم را ندارد و ساختارهای نوایی را مکمل نحو می‌داند هرچند به باور وی ساختار نوایی نیز مشکلاتی دارد و برای جبران کمبود این دو حوزه نظریه‌به‌به‌یگی را پیشنهاد می‌کند. وی قبل از پرداختن به نظریه مذکور تقابل دو دیدگاه سنتی در مورد طبیعت واژه‌بست‌ها را مطرح می‌کند که یکی رویکردی واجی دارد و واژه‌بست‌ها را عناصر وابسته واجی و دیگری آنها را صورت‌های ضمیری می‌پندارد که باید در جایگاه خاص قرار گیرند. از این‌رو آندرسن واژه‌بست‌ها را از آن جهت موضوع بحث خود قرار می‌دهد که جایگاه خاصی را اشغال می‌کنند. وی ابتدا دو پارامتر کاملاً مستقل از یکدیگر را به‌عنوان مشخصه اصلی رده‌شناسی واژه‌بست‌ها عنوان می‌کند: الف) میزان کامل بودن ساختار نوایی^(۴)، ب) جایگاه ویژه. واژه‌بست‌های ساده اساساً از لحاظ واجی ناقص‌اند و انضمام آنها به سازه بالاتر ضروری است ولی واژه‌بست‌های ویژه از جایگاه نحوی ویژه برخوردارند هر چند به باور آندرسن خیلی از واژه‌بست‌های ویژه نیز از لحاظ واجی ضعیف هستند. ویژه بودن جایگاه واژه‌بست‌های ویژه زبان‌شناسان بسیاری را واداشت تا در مورد جایگاه واژه‌بست‌ها تحقیق کنند که همگی آنها برای تعیین جایگاه طیف وسیعی از واژه‌بست‌ها چند پارامتر محدود از جمله اول یا آخر بودن عنصر میزبان را ملاک کار خود قرار داده‌اند. هر یک از پارامترها جایگاه واژه‌بست‌ها را در حوزه مورد نظر با توجه به اولین عنصر درون حوزه، آخرین عنصر درون حوزه یا هسته حوزه تعیین می‌کنند و بدین

ترتیب زمینه‌گزينش ميزبان واژه‌بست‌ها را آماده می‌کنند. واژه‌بست در شش حالت ظاهر می‌شود:

- ۱- جایگاه آغازین (ظهور واژه‌بست قبل از ميزبان): این حالت در مکرى وجود ندارد.
- ۲- جایگاه دوم: ظهور واژه‌بست بعد از اولین سازه حوزه مورد نظر: مانند مثال ۱۶:

16. *kæwf=im kiri:*
shoe=1SG.A buy.PST
کفش خریدم.

در ۱۶ واژه‌بست *im* پس از اولین سازه (*kæwf*) ظاهر شده است.

- ۳- قبل از هسته حوزه عملکرد واژه‌بست: در مکرى یافت نمی‌شود.
- ۴- قبل از هسته حوزه عملکرد واژه‌بست: مثال ۱۷ گویای این حالت است:

17. *le=itkiri:*
from.ABS=2SG.OBL buy.PST
کفش خریدم.

در ۱۷، حرف‌اضافه مطلق (*le*) (جدول شماره ۳) است و به‌عنوان هسته حوزه عملکرد واژه‌بست ایفای نقش می‌کند.

- ۵- جایگاه پایانی: ظهور واژه‌بست پایان حوزه عملکرد آن: این حالت از وقوع واژه‌بست را می‌توان در مثال ۱۸ دید:

18. *zin=u: mindal=cək=an=yan girt-in*
woman-AND child=DEF=PL=3PL capture.PST-3PL
زن و بچه‌هایشان را دستگیر کردند.

واژه‌بست *yan* در ۱۸ در انتهای حوزه عملکرد (گروه اسمی) واقع گردیده است.

19. *girt=yan*
capture.PST=3PL.A
دستگیرش کردند.

واژه‌بست *yan* در ۱۹ در انتهای حوزه عملکرد آن که گروه فعلی است ظاهر شده است. در مثال بالا مفعول نمود آوایی ندارد.

- ۶- قبل از جایگاه پایانی: جایگیری واژه‌بست قبل از آخرین عنصر حوزه مورد نظر.

20. *girt=yan-in*
capture.PST=3PL.A-3PL.P
دستگیرش کردند.

واژه‌بست *yan* در ۲۰ قبل از آخرین عنصر حوزه عملکرد آن که *-in* است ظاهر شده است. آندرسن (۱۹۹۲، ۱۹۹۳) بیان می‌دارد که نباید با واژه‌بست‌های ویژه به‌عنوان

عناصر واژگانی که وارد نحو می‌شوند تعامل کرد، بلکه باید آنها را عناصر واجی پنداشت که مانند وندها به محتویات واجی یک گروه وارد می‌شوند و یکی از مشخصه‌های واجی آن گروه محسوب می‌شوند. مثلاً در مثال ۲۱a واژه‌بست =ækæ پس از کل گروه اسمی قرار می‌گیرد و نه پس از اولین گروه اسمی و یکی از مشخصه‌های واجی این گروه است:

21. a. kiras=æ su:r=ækæ
shirt=EZ red=DEF.3SG

گل قرمز (معرفه)

b. *kiras=æ=kæ su:r
shirt=EZ=DEF.3SG red

گل قرمز (معرفه)

واژه‌بست‌ها در جایگاه دوم و پس از یک کلمه یا گروه قرار می‌گیرند و جایگاه دوم نیز به کمک تحلیل نحوی و واجی مشخص می‌شود. از لحاظ نحوی جایگاه دوم پس از اولین گروه و از لحاظ واجی پس از اولین کلمه واجی خواهد بود و قواعدی که بر تعیین جایگاه واژه‌بست حاکم‌اند هر دو معیار نحوی و واجی را لحاظ می‌کنند. نظریه‌بهینگی تعیین کنیم به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها نیاز داریم.

۷. تعیین جایگاه واژه‌بست در گروه حرف‌اضافه موکری

در موکری دو دسته حروف اضافه وجود دارند که به صورت پیش‌اضافه و پیرااضافه^۱ با متمم خود همراه می‌شوند. در این زبان به نظر می‌رسد که حرف‌اضافه به طور مستقل به صورت پس‌اضافه^۲ ظاهر نمی‌شود. (مکنزی، ۱۹۶۱: ۲۱-۳) حروف اضافه موکری را به دو دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: حروف اضافه ساده و صورت‌های مطلق^۳ که در جدول شماره ۳ نشان داده شده‌اند. حروف اضافه دسته اول قبل از اسم، گروه اسمی و ضمیر مستقل تحت حاکمیت خود قرار می‌گیرند در حالی که دسته دوم که هم از نظر تعداد و هم از نظر تعدادِ هجا از دسته اول کمترند از این قابلیت برخوردار نیستند و نمی‌توانند قبل از اسم، گروه اسمی و ضمیر مستقل واقع شوند و تنها قبل از واژه‌بست قرار می‌گیرند.

1. circumposition
2. postposition
3. absolute forms

<i>bo(læbo)</i> "برای" <i>dægæł</i> "پا"	<i>bæ</i> "به وسیله" ^۱ , <i>wæ</i> "به", <i>be</i> "بدون", <i>bæræw</i> "به طرف" ^۲ , <i>-æ</i> "به", <i>læ</i> "در", <i>ta/hæta</i> "تا", <i>wæk</i> "مانند"	حروف اضافه ساده	حروف اضافه موکری
	<i>pe</i> "به", <i>we</i> "به", <i>-e</i> "به", <i>le</i> "از", <i>te</i> "به داخل"	صورت‌های مطلق	

جدول شماره ۳

از میان حروف اضافه موکری *bo(læbo)* و *dægæł* به عنوان حرف‌اضافه ساده و صورت مطلق ایفای نقش می‌کنند. حروف اضافه موکری قبل از متمم خود قرار می‌گیرند اما در میان حروف اضافه ساده *-æ* تنها حرف‌اضافه‌ای است که به صورت پی‌بست در انتهای فعل قرار می‌گیرد و موضوع‌های پذیرنده^۱ و هدف^۲ همواره پس از فعل می‌آیند. مانند مثال‌های ۲۲ و ۲۳:

22. *sibæy dæ-tfi:-y=æ far-i:*
tomorrow IMPF-go-2SG=**to** city-OBL
آیا فردا به شهر می‌روی؟

23. *da-y=æ Solin-i:*
give.PST-3SG=**to** Solîn-OBL
آن را به سولین داد.

گاهی مانند آنچه در مثال ۲۲ دیده می‌شود ظهور یک واج میانجی (*-y*) بین فعل و حرف‌اضافه *-æ* فاصله می‌اندازد. صورت مطلق *-e* نیز به صورت پی‌بست در انتهای فعل و به شکل نشانگر مطابقت شخصی دسته مستقیم (در جدول شماره ۱ نشانگر مطابقت شخصی دسته مستقیم نشان داده شده‌اند) ظاهر می‌شود، مانند مثال ۲۴:

24. *da-y-n=e*
give.PST-3SG.OBL-3PL=**to.ABS**
او آن را به ما داد.

در ۲۵ حرف‌اضافه ساده است و به صورت پیش‌اضافه واقع شده است:

25. *læ far-i: bu-m*
in city=OBL be.PST-1SG
تو شهر بودم.

1. recipient
2. goal

پژوهش‌های زبانی / سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۶۷

<i>læ sær</i>	روی	<i>læ xwar</i>	در زیر	<i>læ bæŕ</i>	جلو
<i>læ bin</i>	زیر	<i>læ teni:ft</i>	در کنار	<i>læ new</i>	درون
<i>læ pift</i>	پشت	<i>læ kin</i>	نزدیک، پهلوی	<i>læ zu:r</i>	در بالای
<i>læ dil</i>	در داخل	<i>læ pef</i>	در جلو	<i>læ zar</i>	در آستانه
<i>læ ʒer</i>	زیر	<i>wæ sær</i>	به طرف بالای		

جدول شماره ۴- حروف اضافه مرکب

در موکری علاوه بر حروف اضافه ساده و صورت‌های مطلق، حروف اضافه مرکب^۱ و پیرااضافه‌های زیادی وجود دارند. حروف اضافه مرکب از ترکیب یک حرف اضافه ساده و یک اسم ساخته شده‌اند. این دسته از حروف اضافه در جدول شماره ۴ نشان داده شده‌اند:

پیرااضافه‌های موکری از یک حرف اضافه و یک پس‌اضافه تشکیل شده‌اند به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم می‌شوند (اوپینگن، ۲۰۱۳:۱۱۳). پیرااضافه‌های ساده و پیچیده در جدول شماره ۵ آورده شده‌اند:

پیرااضافه‌های ساده	پیرااضافه‌های پیچیده
<i>dæ....da</i> درون	<i>dæ new da</i> در داخل
<i>bæ....-ewæ</i> با	<i>bæ sær... da</i> به روی....
<i>læ.... ra</i> از	<i>dæ bæŕ....da</i> در کنار....
<i>dæ....-ewæ</i> در داخل	<i>bæ du:... da</i> به دنبال
<i>bæ....da</i> دور	<i>læ bæŕ....da</i> از جلو.... در جلو....
<i>læ....da</i> در	<i>dæ dær....-ewæ</i> به طرف بیرون....
<i>læ....-ewæ</i> بیرون از	

جدول شماره ۵- پیرااضافه‌های ساده و پیچیده

ضمایر مستقل و گروه‌های اسمی همیشه در نقش متمم حروف اضافه ساده ایفای نقش می‌کنند که در مثال ۲۹a,b نشان داده شده است، در مقابل صورت‌های مطلق واژه‌بست‌ها را به‌عنوان متمم خود می‌پذیرند، مانند ۳۰a,b:

صورت‌های مطلق قبل از واژه‌بست‌ها	حروف اضافه ساده قبل از صورت‌ها کامل
29. a. <i>læ mæ dæ-kir-in</i> from we IMPF-buy-2PL شما آن را از ما می‌خری.	30. a. <i>le=n dæ-kir-in</i> from.ABS=3PL.OBL IMPF-buy-2PL شما آن را از ما می‌خری.
b. <i>bæ wan dæ-te-n</i> to them IMPF-say-3PL (آن) به آنها می‌گویی.	b. <i>pe=yan dæ-te-n</i> to.ABS=3PL.OBL IMPF-say-3PL (آن) به آنها می‌گویی.

1. compound adpositions

در مثال ۳۱a ضمیر مستقل *mæ* متمم حرف‌افزافه ساده *læ* واقع گردیده است ولی در ۳۱b متمم صورتِ مطلق *le* آشکار نیست و به صورت یکی از نشانگرهای شخصی دسته دوم ظاهر شده است. در هر دو مثال نقش و جایگاه واژه‌بست تغییری نکرده است.

31. a. *ængo læ mæ=w kiri:*
you from we=2PL.OBL.A buy.PST

شما آن را از ما خریدید.

b. *ængo le=w kiri:-n*
you from.ABS=2PL.OBL.A buy.PST-1PL

شما آن را از ما خریدید.

نظام مطابقه در کردی موکری در زمان‌های حال به صورت فاعلی-مفعولی^۱ و زمان‌های گذشته به صورت ارگتیو/کنایی^۲ است. به دلیل وجود کنایی ناقص^۳ در نظام واژه‌بستی زبان کردی مرکزی و موکری بین زمان‌های حال و گذشته، جایگاه واژه‌بست در هر دو زمان حال و گذشته ثابت می‌ماند ولی واژه‌بست نقش معکوس به عهده می‌گیرد. بدین معنی که واژه‌بست در زمان حال نقش مخاطب^۴ و در زمان گذشته نقش کنشگر را ایفا می‌کند، مانند مثال ۳۲a,b:

PRESENT

32. a. *æwro pe=t dæ-le-n*
today to.ABS=2SG.OBL.ADDR IMPF.tell.3PL

امروز (آن را) به تومی گویند.

PAST

b. *diwene pe=yan kut-i:*
yesterday to.ABS=3PL.A tell.PST-2SG.ADDR

دیروز (آن را) به تو گفتند.

گاهی واژه‌بست‌های موکری بین وند و ریشه فعل یا بین ریشه فعل و وند قرار گرفته و به‌عنوان میان‌بست ظاهر می‌شوند، مانند ۳۳a,b:

33. a. *girt=yan-in* b. *dæ=yan-gir-in*
catch.PST=3PL.OBL.A-3PL IPMF=3PL.OBL.O-catch-3PL

آنها را گرفتند.

آنها را می‌گیرند.

در ۳۳a زمان فعل گذشته ساده است و واژه‌بست *=yan* بین ریشه فعلی *girt* و وند-*in* که متعلق به دسته مستقیم است قرار گرفته و نقش کنشگر را ایفا می‌کند درحالی‌که در ۳۳b زمان فعل حال/آینده است و واژه‌بست *=yan* بین پیشوند *dæ-* (در

1. Nominative-Accusative
2. Ergative
3. Split ergativity
4. addressee

مکری نشانگر زمان‌های حال ساده، گذشته ساده و گذشته استمراری است) و ریشه فعلی *gir* واقع شده و نقش مفعولی دارد. در ۳۴ که زمان جمله گذشته استمراری است واژه‌بست $=yan$ بین پیشوند $-da\epsilon$ و بین ریشه فعلی *girt* واقع شده و نقش کنشگر دارد:

34. $da=yan-girt-i:n$
IMPF=3PL.A-capture.PST-3PL
آنها ما را می‌گرفتند.

۱-۷. واژه‌بست موکری در گروه حرف‌افزافه حاوی حرف‌افزافه ساده

اکنون با توجه به انواع حروف‌افزافه در موکری و تعامل صورت‌های مطلق با واژه‌بست‌ها و همچنین استفاده از محدودیت‌های نظریه‌بهبینگی مرتبه‌بندی آنها (مرتبه‌بندی (۲)) می‌توان جایگاه واژه‌بست و نحوه توزیع آنها را در گروه حرف‌افزافه نشان داد:

5. NonInitial(cl_i, PP), Integrity(PP) >> LeftMost(cl_i, L, PP)
35. $bo\ tu=yan\ kiri:$
for you=3PL.A.OBL buy.PST

آن را برای تو خریدند.

در مثال ۳۵ بالا حرف‌افزافه با وجود اینکه دارای شرایط لازم برای میزبان بودن واژه‌بست است به علت حضور ضمیر مستقل *tu* پس از حرف‌افزافه، *bo* حرف‌افزافه ساده تلقی می‌شود و نمی‌تواند میزبان واژه‌بست باشد. "محدودیت حفظ یکپارچگی" در ۳۵ اجازه ورود واژه‌بست $=yan$ به درون گروه حرف‌افزافه را نمی‌دهد. در نتیجه واژه‌بست مذکور پس از کل گروه قرار گرفته است. نحوه اعمال محدودیت‌ها در درون گروه حرف‌افزافه را می‌توان در تابلوی شماره ۱ مشاهده نمود:

/INPUT/:	NonInitial(cl_i, PP)	Integrity(PP)	LeftMost(cl_i, L, PP)
$bo\ tu=yan$			
$a. bo=yan\ tu$!*	*
$b. bo\ tu=yan$			*
$c. yan=bo\ tu$!*		

تابلوی شماره ۱

واژه‌بست در کاندیدای *a* از یک‌سو یکپارچگی گروه حرف‌افزافه را برهم زده و با ورود به درون آن باعث نقض محدودیت "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" گردیده و به نادرستی بودن آن انجامیده است و از سوی دیگر محدودیت "حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه سازه" را نیز نقض نموده است. بنابراین گزینه مناسبی نیست. از آنجاکه واژه‌بست ضمیری موکری هیچ‌گاه به صورت پیش‌بست ظاهر نمی‌شود، واژه‌بست در

کاندیدای C از محدودیت "عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه تخطی" نموده و از گردونه رقابت حذف می‌گردد. اما گزینه موجود در b از یک‌سو به دلیل عدم قرار گرفتن واژه‌بست در ابتدای حوزه محدودیت "عدم اجازه حضور واژه‌بست" در ابتدای حوزه را اقلان نموده و از سوی دیگر به ساختار درونی گروه ورود نکرده و محدودیت "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" را نیز اقلان نموده است ولی تنها از محدودیت حضور واژه‌بست در منتهی‌الیه گروه تخطی نموده است. بنابراین گزینه b با کمترین تخطی از محدودیت‌ها به‌عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. با توجه به تابلوی ۱ می‌توان نتیجه گرفت که هنگام اتصال واژه‌بست به گروه حرف‌افزافه کردی موکری محدودیت‌های (PP) Integrity و (PP) NonInitial (cl_i) بر محدودیت Left Most (cl_i , L, PP) تسلط دارند. به گفته آندرسن محدودیت‌های (PP) NonInitial (cl_i) و (PP) Left Most (cl_i , L, PP) از نوع محدودیت‌های نشاننداری هستند درحالی‌که محدودیت (PP) Integrity از نوع محدودیت‌های وفاداری محسوب می‌شود. واژه‌بست در نتیجه رقابت محدودیت‌های موجود در تابلوی شماره ۱ در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

۷-۲. واژه‌بست ضمیری موکری در گروه حرف‌افزافه حاوی صورت‌های مطلق

دسته دوم حروف افزافه موکری صورت‌های مطلق هستند و در مثال‌های ۳۶a,b,c,d تعامل صورت‌های مطلق با واژه‌بست‌ها نشان داده شده است:

36. a. $pe=y$ $da-n$
to.ABS=3SG GIVE.PST-3PL
او (آن را) به آنها داد.
- b. $le=m$ $wær-næ-girt-in$
from.ABS=1SG PVB-NEG-take.PST-3PL
از آنها نگرفتم.
- c. $*pe$ $æwan=i$ $da-n$
to.ABS they=3SG give.PST.3PL
به آنها دادند.
- d. $*le$ $Solin=yan$ $kiri:$
to.ABS Solin=3PL.A.OBL buy.PST
"از سولین خریدند."
- e. $dægæl=yan/minat=an$ hat
with.ABS=3PL.A.OBL/child=PL buy.PST
"با آنها آمد/با بچه‌ها آمد."

در مثال ۳۶a واژه‌بست سوم شخص مفرد $y =$ در نقش متمم پس از صورت مطلق pe واقع شده است و در مثال ۳۶b نیز واژه‌بست اول شخص مفرد $m =$ پس از صورت مطلق le دیده می‌شود. اما در مثال‌های ۳۶c,d پس از صورت مطلق به ترتیب ضمیر شخص جمع æwan و اسم Solin پس از صورت‌های مطلق pe و le قرار گرفته‌اند و به نادستوری جمله انجامیده‌اند زیرا صورت‌های مطلق فقط واژه‌بست‌ها را به‌عنوان متمم می‌پذیرند. در ۳۶e پس از حرف‌افزافه $dægæ\ell$ هم واژه‌بست و هم صورت کامل در نقش متمم آورده شده است (رجوع به جدول شماره ۳). مطابق محدودیت‌های جهانی نظریه‌بهینگی در هر دو مثال ۳۶a,b محدودیت ”حفظ یکپارچگی حرف‌افزافه“ اجازه ورود واژه‌بست به ساختار درونی حرف‌افزافه و ایجاد گسستگی آن را نمی‌دهد. علاوه بر محدودیت حفظ یکپارچگی حرف‌افزافه محدودیت‌های حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه گروه و عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه نیز در جایگیری واژه‌بست دخیل هستند که طی آنها واژه‌بست باید تا جایی که امکان دارد در چپ‌ترین لبه حوزه عملکرد خود قرار گیرد ولی نمی‌تواند در ابتدای سازه بیاید. بنابراین نحوه مرتبه‌بندی محدودیت‌های نظریه‌بهینگی آنچه در مرتبه‌بندی (۵) آورده شد برای تعیین جایگاه واژه‌بست در گروه حرف‌افزافه حاوی صورت‌های مطلق صادق است. نحوه چینش محدودیت‌ها به منظور نشان دادن تعامل واژه‌بست با صورت‌های مطلق برای مثال ۱۶e در تابلوی شماره ۲ نشان داده شده است.

/INPUT/:	NonInitial(cl, PP)	Integrity(PP)	LeftMost(cl, L, PP)
$dægæ\ell = yan$			
a. $yan = dægæ\ell$!*		
b. $dæ = yangæ\ell$!*	*
c. $dægæ\ell = yan$			*

تابلوی شماره ۲

واژه‌بست در کاندیدای a در ابتدای حوزه عملکرد خود قرار گرفته است، بنابراین این کاندیدا از محدودیت: عدم اجازه حضور واژه‌بست: در ابتدای حوزه تخطی مهلک داشته و از ادامه رقابت باز می‌ماند. در کاندیدای b چون واژه‌بست در ابتدای حوزه عملکرد خود واقع نشده و محدودیت ”عدم اجازه حضور واژه‌بست“ در ابتدای حوزه را اقناع نموده است و از سویی دیگر واژه‌بست هم یکپارچگی حرف‌افزافه را بر هم زده و به درون آن وارد شده که در نتیجه آن محدودیت ”حفظ یکپارچگی حرف‌افزافه“ را نقض نموده و

هم از محدودیت در "حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزة" تخطی کرده است گزینه مناسبی نیست. اما واژه‌بست حاضر در کاندیدای C به علت واقع نشدن در چپ‌ترین لبه حوزة از محدودیت "حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزة" تخطی نموده است ولی دو محدودیت "عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزة" و "حفظ یکپارچگی حرف‌افزافه" را اقلان نموده و با کمترین نقض به‌عنوان کاندیدای بهینه شناخته می‌شود. در نتیجه با توجه به تابلوی ۲ می‌توان گفت که هنگام اتصال واژه‌بست به گروه حرف‌افزافه (حاوی حرف‌افزافه ساده) موکری محدودیت‌های وفاداری $LeftMost(cl_i, PP)$ و $Integrity(PP)$ بر محدودیت نشاننداری $LeftMost(cl_i, PP)$ تسلط دارند. جایگاه واژه‌بست در نتیجه رقابت محدودیت‌های موجود در تابلوی شماره ۲ همانا جایگاه دوم است.

۷-۳. واژه‌بست ضمیری موکری در گروه حرف‌افزافه حاوی حرف‌افزافه مرکب

گروه دیگری از حروف‌افزافه موکری که در ایجاد گروه حرف‌افزافه نقش دارند حروف‌افزافه مرکب هستند. این‌گونه از حروف‌افزافه می‌توانند هم صورت‌های کامل و هم واژه‌بست‌ها را به‌عنوان متمم خود برگزینند. بعضی از حروف‌افزافه مرکب به کمک واژه‌بست‌افزافه $=im$ با متمم اسمی خود ترکیب می‌شوند، مثال‌های ۳۷ و ۳۸:

37. *lae kin dayk=m dani:ft-im*
in beside brother=1SG.OBL sit.PST-1SG

پهلوی مادرم نشستم.

38. *lae kin=yan dani:ft-im*
in beside=3PL.OBL sit.PST-1SG

پهلوی آنها نشستم.

حرف‌افزافه مرکب *lae kin* در مثال ۳۷ قبل از صورت کامل *dayk* و واژه‌بست‌افزافه $=im$ قرار گرفته است. در مثال ۳۸ همین حرف‌افزافه قبل از واژه‌بست واقع شده است. واژه‌بست $=yan$ در مثال ۳۸ نقش متمم حرف‌افزافه مرکب *lae kin* را برعهده دارد. تابلوی شماره ۳ محدودیت‌های دخیل در تعیین جایگاه واژه‌بست همراه حروف‌افزافه مرکب و نحوه چینش آنها در مثال ۳۸ را نشان می‌دهد:

/INPUT/:	Integrity(PP)	NonInitial(cl_i, PP)	LeftMost(cl_i, L, PP)
<i>læ kin=yan</i>			*
a. <i>læ kin=yan</i>			*
b. <i>yan=læ kin</i>		!*	
c. <i>læ=yan pifi</i>	!*		*

تابلوی شماره ۳

در کاندیدای C واژه‌بست $=yan$ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه را برهم زده است که این همانا نقض کشنده محدودیت "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" است و در نتیجه آن گزینه C از رقابت با گزینه‌های دیگر جا می‌ماند. در کاندیدای b حضور واژه‌بست $=yan$ در ابتدای گروه حرف‌افزافه منجر به تخطی مهلک از محدودیت عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه و نامناسب بودن این گزینه گردیده است. برخلاف گزینه‌های b و c گزینه a با اقناع محدودیت‌های "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" و "عدم حضور واژه‌بست ابتدای حوزه عملکرد" و با وجود تخطی از محدودیت "حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه عملکرد آن، با کمترین تخطی گزینه بهینه این رقابت است. در چینش محدودیت‌های مربوط به تعامل واژه‌بست با حرف‌افزافه مرکب موکری محدودیت‌های (cl_i, PP) NonInitial و Integrity (PP) بر محدودیت Left Most (cl_i, L, PP) تسلط دارند و همین بر جایگیری واژه‌بست در جایگاه دوم صحه می‌گذارد. در این رقابت دو محدودیت (cl_i, PP) NonInitial و Integrity (PP) به‌طور موازی عمل کرده و هیچ یک بالاتر از دیگری قرار نمی‌گیرد.

۷-۴. واژه‌بست ضمیری موکری در گروه حرف‌افزافه حاوی پیرافزافه

پیرافزافه‌ها در موکری دو دسته‌اند: ساده و پیچیده. پیرافزافه‌های ساده متمم اسمی می‌پذیرند (۳۹) ولی همراه نوع پیچیده آنها هم صورت‌های کامل (۴۰ و ۴۱) و هم متممی که حاوی یک ترکیب افزافه متشکل از یک هسته و وابسته است (واژه‌بست در چنین ترکیب افزافه‌ای نقش وابسته دارد) (۴۲) می‌توانند بیابند:

39. *læ-de-y-ra* *hat-in*
from-village-OBL.POST come.PST-2/3PL
از روستا آمدند- از روستا آمدید.
40. *bæ-du-y-tu-da* *hat-in*
from-following-OBL.you.POST come.PST-3PL
از روستا دنبال تو آمدند.
41. *bæ-du-y-Solin-i:-da* *hat-in*
from-following-OBL-Solin-OBL.you.POST come.PST-3PL
به دنبال سولین آمدند.

42. *bæ-du=t-da* *hat-in*
 from-following=2SG.OBL.POST come.PST-3PL

از روستا دنبالت آمدند.

از میان دو نوع متمم که همراه پیرامون‌افزافه پیچیده می‌آیند تنها به واژه‌بست و جایگاه و نحوه تعامل آن با این نوع حرف‌افزافه پرداخته می‌شود. همانطور که در مثال ۴۲ دیده می‌شود واژه‌بست در جایگاه دوم یعنی پس از هسته *du* اولین سازه نحوی حوزه خود قرار گرفته است. در تابلوی شماره ۴ جایگاه واژه‌بست در مثال ۴۲ به کمک محدودیت‌های نظریه بهینگی نشان داده شده است.

/INPUT/:	NonInitial(<i>cl_i</i> ,PP)	Integrity(PP)	LeftMost(<i>cl_i</i> ,L,PP)
<i>bæ-du=t-da</i>			
a. <i>bæ=t-du -da</i>	!*		
*b. <i>bæ-du=t-da</i>			*
c. <i>t=bæ-du-da</i>		!*	

تابلوی شماره ۴

واژه‌بست *t=* در کاندیدای a یکپارچگی گروه حرف‌افزافه را برهم زده و منجر به تخطی کشنده از "محدودیت حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" گردیده و علیرغم اقناع محدودیت‌های عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه و حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه از رقابت حذف می‌گردد. در کاندیدای c واژه‌بست از یک سو یکپارچگی گروه حرف‌افزافه را حفظ کرده و به عبارتی از محدودیت "حفظ یکپارچگی گروه حرف‌افزافه" تخطی نموده است و از سویی دیگر با حضور در چپ‌ترین لبه حوزه محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه را اقناع نموده است گزینه برون‌داده مناسبی نیست. اما در کاندیدای b واژه‌بست چون نه ساختار درونی گروه حرف‌افزافه برهم زده است و نه در ابتدای حوزه آمده است علیرغم تخطی از محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه به‌عنوان کاندیدای با کم‌ترین نقض به‌عنوان برون‌داد بهینه انتخاب می‌شود. می‌بینیم که هنگام جایگیری واژه‌بست در گروه حرف‌افزافه این‌گونه از حرف‌افزافه نیز چینش محدودیت‌ها درست همان چینی است که همراه سایر حروف افزافه کاربرد دارند.

۸. نتیجه

در این مقاله ابتدا واژه‌بست‌های ضمیری موکری شناسایی و به منظور تعیین جایگاه آنها در گروه حرف‌افزافه و چگونگی تعامل‌شان با حروف افزافه در چارچوب نظریه بهینگی مورد بررسی قرار گرفتند. موکری مجهز به انواع حرف‌افزافه ساده، مطلق، مرکب و پیرافزافه‌ها (ساده و پیچیده) است. از میان آنها تنها صورت‌های مطلق و نوع پیچیده

پیرامون اضافه‌ها متمم واژه‌بستی می‌پذیرند. بررسی داده‌های موکری به نتایج زیر انجامید:

- ۱- واژه‌بست ضمیری موکری در حوزه گروه فعلی ظاهر می‌شود.
 - ۲- واژه‌بست ضمیری موکری به چپ‌ترین لبه حوزه گروه فعلی متصل می‌شود.
 - ۳- واژه‌بست ضمیری موکری در ساختار نحوی گروه گسستگی ایجاد نمی‌کند.
 - ۴- واژه‌بست ضمیری موکری هیچ‌گاه در ابتدای حوزه خود ظاهر نمی‌شود.
- محدودیت‌هایی از نظریه بهینگی که در تعیین جایگیری واژه‌بست ضمیری موکری در گروه حرف اضافه دخیل هستند عبارت‌اند از: "محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه: Left Most (cl_i, L, PP)" که مطابق آن واژه‌بست متمایل به جایگیری در چپ‌ترین لبه حوزه خود است که البته باید این نکته را در نظر داشت که "محدودیت عدم اجازه وقوع واژه‌بست در ابتدای حوزه: NonInitial (cl_i, PP)" هرگز اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه را نمی‌دهد. علاوه بر محدودیت‌های بالا "محدودیت حفظ یکپارچگی حوزه: Integrity (PP)" مانع ظهور واژه‌بست در درون گروه می‌شود و اجازه گسستگی ساختار نحوی آن را نمی‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در کردی مکرر محدودیت‌های "عدم اجازه وقوع واژه‌بست در ابتدای حوزه: NonInitial (cl_i, PP)" و "حفظ یکپارچگی گروه حرف اضافه Integrity (PP)" بر "محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه: Left Most (cl_i, L, PP)" تسلط دارند. محدودیت‌های فوق‌الذکر بهترین جایگاه برای واژه‌بست را جایگاه دوم می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گونه زبانی مورد مطالعه در این مقاله گویش موکری است که زیر لهجه‌ای از کردی مرکزی (سورانی) است که در استان آذربایجان غربی در شهرهای مهاباد، بوکان، پیرانشهر، سردشت، نقده و اشنویه به تکلم می‌شود و گونه‌ای از موکری که داده‌های آن در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد مختص شهر اشنویه است. از این پس در ادامه مقاله به جای گویش موکری اشنویه، از کردی موکری یا موکری استفاده می‌شود.

۲. کردی مرکزی یا سورانی گونه‌ای از زبان کردی است که در ایران در استان‌های کردستان (بانه، سقز، دیواندره، سنندج، مریوان، کامیاران)، کرمانشاه (جوانرود، روانسر) و آذربایجان غربی (اشنویه، نقده، مهاباد، پیرانشهر، سردشت، تکاب، شاهین‌دژ، بوکان و بخش‌هایی از میاندوآب) و در کردستان عراق استان‌های اربیل (هولیر، سوران، کوی سنجق، رواندز و)، سلیمانیه (سلیمانیه، رانیه، قلاذی، دوکان و پنجون و) و کرکوک (کرکوک) به آن صحبت می‌شود.

3. mesoclitic: is a clitic inserted inside a word (such as between a stem and a suffix).

4. degree of metrically complete prosodic structure

۹. منابع

- علی‌نژاد، بتول و محمدی‌بلبان‌آباد، صادق (۱۳۹۲). واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کردی سورانی: تعامل با حروف‌افزافه، *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*، دانشگاه آزاد سنندج، سال ششم، شماره ۱۸، ۷۶-۹۴.
- Anderson, S.R. 1992. *A-Morphous Morphology*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Anderson, S.R. 1993. Wackernagel's revenge: Clitics, morphology and the syntax of second position, *Language* 69, 68-98.
- Anderson, S.R. 1994. How to put your Clitics in their Place or Why the Best Account of SecondPosition Phenomena May be a Nearly Optimal One, *GLOW Workshop in Vienna*.
- Anderson, S. 2005. *Aspects of the theory of clitics*, Oxford & New York, Oxford University Press.
- Crystal, D. 2008. *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (6th ed.), London: Blackwell.
- Boersma, P., J. Deckers & J. van de Weijer (2000). "Optimality Theory: Phonology, Syntax, and Acquisition", Pdf format.
- Dabir-Moghaddam, M. 2008. On agent clitics in Balochi. In Carina Jahani, Agnes Korn & Paul Titus (eds.), *The Baloch and others. Linguistic, historical and socio-political perspectives on pluralism in Balochistan*, 83-101. Wiesbaden: Reichert.
- Haig, G. 2008. *Alignment change in Iranian languages: a construction grammar approach*, (Empirical Approaches to Language Typology 37). Berlin New York: Mouton de Gruyter.
- Halpern, A. 1992. *Topics in the Placement and Morphology of Clitics*, Doctoral Dissertation Stanford University
- Kager, R. 1999. *Optimality Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mackenzie, D. N. 1961. *Kurdish Dialect Studies*. Oxford University Press.
- Mohammadirad, Masoud, 2020, *Pronominal clitics in Western Iranian languages: Description, mapping, and typological implications*, Doctoral dissertation, Université Sorbonne Nouvelle
- Öpengin, E. 2013. *Clitic-Affix Interactions: A Corpus-based Study of Person Marking in the Mukri Variety of Central Kurdish*. Doctoral dissertation, Université Sorbonne Nouvelle and Universität Bamberg.
- Samvelian, P. 2007a. What Sorani Kurdish absolute prepositions tell us about cliticization. In, Frederic Hoyt, Nikki Seifert, Teodorescu Alexandra & Jessica White (eds.), *Texas Linguistic Society IX: The Morphosyntax of Underrepresented Languages*, 263-283. Stanford: CSLI Publications.
- Samvelian, P. and Bonami, O. 2008. Sorani Kurdish person markers and the typology of agreement, *13th International Morphology Meeting*, Vienna
- Siewierska, A. 2004. *Person*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wackernagel, J. 1892. "Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung", *Indogermanische Forschungen* 1: 333-436.
- Zwicky, A. 1977. *on Clitics*. Bloomington: Indiana University, Linguistics Club.